

ادامه از صفحه ۲

شام بعد از یک مناظره کم سابقه در تلویزیون

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران سپس گفت: این مثال‌ها راجع به جامعه نیست؛ بلکه راجع به حکومت است و مصادیقی سیاسی است و به وضعیت درونی یک جامعه و اختلالات کارکردی اصلا ربطی ندارد، مگر اینکه بخواهیم بگوییم اگر در جامعه‌ای اختلالات کارکردی وجود داشته باشد، آن جامعه دچار فروپاشی می‌شود که دراین‌صورت باید مشخص کنیم کدام اختلال‌ها و در چه سطحی باعث چنین اتفاقی می‌شوند؟ والا اختلال کارکردی که در همه جوامع وجود دارد.

چسب قدرت، اسلام و نفت، جامعه را نگه داشته است

عبدی سپس گفت: بحث من همین است که اختلالات کارکردی موجب فروپاشی می‌شود. درباره فروپاشی شوروی، پلتنسین به‌درستی از طرف آقای کچویان متهم به آمریکایی‌بودن می‌شود. این نشان‌دهنده این است که آن نظام از بنیاد دچار اشکال بوده و این اشکال یک روزی خودش را به این شکل نشان داده است. او عنوان کرد: درست است که غربی‌ها با حمله به لیبی این مشکلات را درست کردند؛ اما ویژگی خود جامعه لیبی موجب شد که این حمله صورت گیرد و نه اینکه آن حمله موجب این مشکلات شود. در تجربه جنگ خودمان یک لحظه تردید شکست در ما وجود داشت؟ نه به خاطر ضعیف‌بودن حریف؛ بلکه چون به خودمان اعتماد داشتیم، می‌دانستیم که از پس آن برمی‌آییم، با اینکه جنگ خیلی طولانی شد. ما همبستگی خوبی درحال‌حاضر نداریم و تنها چیزی که جامعه ما را نگه داشته، چسب قدرت است و اینرسی انقلاب، اسلام و نفت است که جامعه ما را نگه داشته که تمام اینها در حال انحلال‌اند.

کچویان در ادامه گفت: جنگ تحمیلی هم مثال جالبی بود و نشان داد مثال‌ها و بحث‌های نظری ایشان با هم تناسب ندارد. اتفاقا ما در هشت سال جنگ تحمیلی اختلال کارکردی به تمام معنا داشتیم و صدام این را می‌دانست که به ما حمله کرد. اتفاقا در آن زمان و پس از انقلاب در ایران هیچ چیز سر جای خود نبود و می‌توان طبق بحث ایشان گفت که اصلا همان موقع ما دچار فروپاشی بودیم. عضو شورای‌عالی انقلاب فرهنگی افزود: مطابق تئوری ایشان ما باید همان موقع دچار فروپاشی می‌شدیم و دیگر بلند نمی‌شدیم. اتفاقا همان شیوه اداره‌ای که ما داشتیم، منجر شد که خود را احیا کردیم و توانستیم هشت سال جنگیم و وارد مراحل بعدی شویم و الان هم همین اسلجام اجتماعی ماست که مانع از حمله و دست‌درازی به کشور ما می‌شود.

قدرت امنیتی حکومت جامعه را حفظ کرده است؛ نه کارگردان‌ها

عبدی در ادامه اظهار کرد: مثال ایشان از لیبی ربطی به بحث اختلالات کارکردی ندارد. سیستم سیاسی لیبی زمینه آن حمله را فراهم کرد. اگر رژیم معقوله‌تر و با مشارکت بیشتری در آجا سر کار بود، غربی‌ها چنین جرتی پیدا نمی‌کردند. هیچ شکستی بدتر از شکست زاین و آلمان در جنگ جهانی نیست؛ اما ببیند آیا دچار این مشکلاتی که در لیبی به وجود آمد، شدند؟ کچویان در ادامه گفت: نشانه حرکت ما در این مسیر و نه در مسیر فروپاشی این است. اگر این‌گونه که ایشان می‌گویند باشد، این حکومت باید مشروعیت خود را از دست می‌داد؛ نه اینکه در هر انتخاباتی مشروعیت خود را تجدید کند. محرم‌ها، اهیملایی اربعین، ۹ دی و مثال‌های دیگر را چسرا نمی‌بینیم؟ واقعیت آن است که ما در مسیر ساختیابی نسبت به مفاهیمی که انقلاب داعیه آن را داشته، در حال حرکتیم. عبدی سپس گفت: شما سند چشم‌انداز را ببینید! ما به کدام شاخص‌ها حتی نزدیک شده‌ایم؟ چه برسد به اینکه رسیده باشیم. من شاخص‌های مثبت را می‌دانم. مسئله ما این شاخص‌ها نیست؛ بلکه وقتی برخی شاخص‌ها بالا می‌رود انتظاراتی را پدید می‌آورد و در رژیم شاه هم همین‌طور شد؛ اما شاه نتوانست انتظارات را برآورده کند! شما مسائل دی‌ماه را ببینید. در کجای دنیا این‌گونه اتفاقات بعد از انتخابات رخ می‌دهد؟ نمی‌دانم آقای کچویان از کجا آمار می‌دهند. شاخص ناامیدی به آینده در جامعه ما بالای ۸۵ درصد است. در زمان جنگ شاخص امید ما ۸۵ رصد بود. سیستم ما با این وضعیت بعید است توانایی ادامه‌دادن داشته باشد. مهم این است که ببینیم چه کار می‌شود کرد که وضعیت برگردد. ریشه این ناکارآمدی‌ها در نوع اداره جامعه است. خلاقیت‌هایی در جامعه ما وجود دارد؛ اما جامعه ایران هر لحظه ظرفش دارد کوچک‌تر می‌شود و در مرز فروپاشی است. کچویان در ادامه با اشاره به اینکه ما ۴۰ سال است این فشارها را داریم، افزود: درباره شاخص‌های بی‌اعتمادی ما می‌بینم که در شرایط مشکلات ارزی و تورم، میزان کمک مردم به کمیتہ امداد دو برابر شد. اینها شاخص‌های عینی است. دولت‌های ما همیشه علیه مردم بوده‌اند. هر دو گروه سیاسی ما همواره انتظارات مردم را برآورده نکرده‌اند و ما فاشل‌ترین دولت را داریم؛ اما انگیزه‌هایی انقلابی در مردم وجود داشته که ایستاده‌اند و انقلاب را حفظ کرده‌اند. کچویان در خاتمه گفت: هیچ ابهامی نیست که ما دچار اختلالاتی هستیم؛ اما به این معنا نیست که بدون چارچوب مشخص هر نتیجه‌ای از آن بگیریم. تئوری ایشان دچار اشکال است و هر بار که می‌خواهند درستش کنند، مفهومی جدید به کار می‌برند که بر فرض درستی ربطش به فروپاشی مشخص نیست.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

مقاله‌ای از محسن آرمین درباره «زمانه وزمینه‌های فکری سیدقطب»

گذر از مقاومت به تهاجم



شرق؛ پنجشنبه این هفته نهمین نشست از سلسله‌نشست‌های اندیشه‌ورزی قرآنی در «انجمن مطالعاتی قرآن» و با همکاری «باشگاه اندیشه» با موضوع «آشنایی با اندیشه‌های تفسیری سیدقطب» برگزار شد. یکی از سخنران‌های این مراسم، دکتر مصطفی خرمدل بود. او تفسیر فی ظلال القرآن سیدقطب را به زبان فارسی ترجمه کرده است. سخنران دیگر، حجت‌الاسلام‌والمسلمین مهدی فرمانیان بود. او هسته مرکزی فکری سیدقطب را «توحید در حاکمیت» عنوان کرد و توضیح داد که سیدقطب می‌گفت اسلام به دنبال توحید القصور (قصرها) است؛ یعنی سیدقطب معتقد بود که قدرت باید در دست آدم‌های مدنی باشد که به دنبال اجرای فرامین خداوند باشند. به‌این ترتیب بود که این متفکر مصری جوامع را به دو دسته کلی «جامعه اسلامی» و «جامعه جاهلی» تقسیم کرد. فرمانیان توضیح داد که سیدقطب راه گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی را جماعت یا گروه پیشتاز می‌دانست؛ گروهی که هادایت مردم را در دست بگیرد. این گروه نه برای موعظه که برای جهاد و جنگ مسلحانه علیه نیروهای نظامی یک جامعه جاهلی تشکیل می‌شد. فرمانیان، سیدقطب را «به معنای واقعی کلمه» سلفی نمی‌داند. به گفته فرمانیان، قطب هرگز مسلمانان را تکفیر نکرد. او در انتها دو نقد نیز به این قرآن پژوه مصری وارد کرد؛ اول، از آن‌رویی که اسید، در حوزه‌های علمیه درس نخوانده بود و از معنای دقیق مفاهیمی که به کار می‌برد بی‌خبر بود. انتقاد دوم کم‌توجهی سیدقطب به لوازم برخی از مفاهیمی بود که به کار می‌برد. او برای مثال گفت اگر جوامع را به جامعه اسلامی و جامعه جاهلی تقسیم کنیم، مفاهیم خشونت‌آمیزی از دل آن خارج خواهد شد. باوجوداین فرمانیان، قطب را اثرگذارترین چهره جهان اهل تسنن در ۸۰۰ سال اخیر توصیف کرد. محسن آرمین، فعال سیاسی و دین‌پژوه، سخنران دیگر این مراسم، تمرکز سخنرانی خود را بر بررسی متن زمانی و مکانی که سیدقطب در آن می‌زیست قرار داد و مقاله خود را در این سخنرانی ارائه کرد. در ادامه متن این مقاله را از نظر می‌گذرانید.

برون‌رفت از بحران‌های یادشده و پاسخ‌گویی به مطالبات و خواسته‌های اجتماعی، فرصت مناسبی برای بروز و ظهور جریان احیا بود؛ اما این‌بار در هیئتی اعتراضی و رادیکال با ماهیتی بنیادگرایانه. تصویری که حسن البنا، از اوضاع مصر در دهه بیست قرن بیستم ارائه می‌دهد، در واقع روایتی از شرایط سیاسی اجتماعی مصر از نظر مسلمان متعصبی است که حاصل حدود یک قرن تعامل مثبت با فرهنگ و مدنیت غرب را برای اعتقادات و زندگی مردم خود، مصیبت‌بار ارزیابی می‌کند و اکنون کیان و هویت دینی خود را در معرض تهدید می‌بیند. او در کتاب مذکرات الدعوة والداعیه وضعی را تصویر می‌کند

که به موجب آن موج فروپاشی روانی و ذهنی و نفی عقاید دینی به نام آزادی عقل و مدنیت و بشرف‌ت تمامی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی را فراگرفته است: «جریان قدرتمند الحاد و اباحی‌گری هیچ چیز را در برابر خود سالم نمی‌گذارد و حوادث و شرایط نیز به مدد آن آمده است. در ترکیه مصطفی کمال‌پاشا لغای خلافت و جدایی دین و دولت را در جامعه‌ای که تا چند سال پیش همه جهانیان آن را مقر امیرالمؤمنین می‌شناختند، اعلام کرده است. معاهد و مدارس بومی به دانشگاه‌های دولتی تبدیل شده که کاملاً مضمون و صورتی غربی دارند. دانشگاه رسالت خود را در گسترش سکولاریسم

و هجوم به دین و مبارزه با آداب و سنن اجتماعی متأثر از دین می‌داند و در پی تفکر مادی غرب روان است. در «جمع فکری» و خطابات و سخنرانی‌ها در تهاجم علیه دین قدیم و مزده به وحی جدید است. کتاب‌ها و مجلاتی منتشر می‌شود که تمامی مقالات و محتوای آنها هدفی جز تضعیف دین و نابودی آن ندارند؛ به‌طور خلاصه غرب بی‌رحم و مسلح با تمامی سلاح‌های کشنده و تمامی ابزارهای قدرت در همه‌جا قابل‌مشاهده است» (بنا)،

۵- شکست مدنیت اروپایی در تحقق وعده‌های خویش: تمدن اروپایی با استناد به دستاوردهای مادی و معنوی خود دنیایی بهتر با امکان زیستی سعادتمندانه‌تر را به بشر آن دوره وعده می‌داد. بروز بحران‌ها، جنگ‌ها، انقلاب‌ها، به‌ویژه دو جنگ جهانی اول و دوم و ویرانی، نابودی، جنایت و قساوتی که در این دو جنگ به نمایش گذاشته شد، بحران اقتصادی جهانی در فاصله سال‌های دو جنگ جهانی به‌ویژه در آمریکا که یکی از مهم‌ترین نمایندگان فرهنگ و مدنیت جدید شناخته می‌شد و... همگی بطلان ادعای تمدن غرب را در ساختن جهانی آباد و آزاد و متضمن سعادت و رفاه انسان به اثبات می‌رساند. این نکته‌ای بود که رهبران جنبش بنیادگرای دینی جدید در مصر به بیان‌های مختلف بر آن تاکید می‌کردند (بنا، ۲۰۰۲: ۶۷).

دو جنگ خسارت‌بار و تباهی آفرین و بحران‌های ناشی از آن حتی در غرب تردیدهای جدی نسبت به راهی‌بخش‌بودن مدرنیته برای انسان امروز پدید آورده و به پیدایش جریان نقد مدرنیته انجامیده بود. در شرق، امپریالیسم و استعمار دستاورد مدنیت بورژوازی لیبرال غرب ارزیابی می‌شد. در چنین شرایطی کمونیسم به‌عنوان پاسخی به بحران‌های مذکور و اندیشه‌ای عدالت‌خواه و برابرطلب در مقابل امپریالیسم غرب، در اوج شکوفایی به سر می‌برد و با اقبال خلق‌های تحت ستم روبه‌رو بود. به قول طارق البشیری: «هنگامی که تفکر وارداتی غربی در جهت کنارزدن اسلام و خارج‌کردن آن از نظامات و مناسبات و بلکه عقل‌ها و جان‌های مصریان فعال شد، دعوت به اسلام به طور مطلق و در کلیه عرصه‌ها آغاز گردید» (بشری، ۱۹۸۳: ۳۹).

این تجربه منفی نه‌تنها به تشدید جنبش رادیکال دینی کمک می‌کرد، بلکه به سرمدمداران این جنبش امکان می‌داد از وضع تدافعی خارج شده در برابر فرهنگ



الو شرق ۰۲۶۰ ۸۸۶۴۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۰۰۰۴۶۹۹

● جابه‌جایی نان به شیوه غیربهداشتی: بارها دیده شده به‌وسیله موتورسیکلت و بدون استفاده از سفره یا وسیله‌ای که بتواند نان‌ها را از آلودگی محافظت کند، آنها را برای کبابی‌ها و کله‌پاچه‌پزها و حلیم‌فروش‌ها می‌برند و مشتریان که از این موضوع اطلاع ندارند، نان غیربهداشتی میل می‌کنند! نبود نظارت باعث شده مردم تاوان سهل‌انگاری‌های مسئولان را ببندند!

ع. فرقانی



بازتاب

● پاسخ روابطعمومی سازمان مدیریت میادین میوه‌وترهباز: با توجه به درج پیامی در ستون پیام‌های مردمی آن روزنامه به تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱۴ تحت عنوان «چرا گوشت وارداتی؟» درخصوص وارداتی‌بودن گوشت تنظیم بازار که در میادین و بازارهای میوه‌وترهبار توزیع می‌شود، خواهشمند است اظهار لطف فرموده و نسبت به انتشار توضیح زیر اقدام فرمایید. به آگاهی شهروند محترم که نسبت به عرضه و توزیع گوشت گوسفندی تنظیم بازار در میادین و بازارهای میوه‌وترهبار معترض بودند، می‌رساند: متأسفانه گوشت گوسفندی تولید داخل، پاسخ‌گوی نیازمندی‌های داخلی نبوده و دستگاه‌های مربوطه برای تنظیم بازار و کنترل قیمت گوشت به ناگزیر، اقدام به واردات گوشت گوسفند می‌نماید.

سازمان مدیریت میادین میوه‌وترهبار اگرچه در این زمینه هیچ وظیفه‌ای برعهده ندارد، اما در راستای حمایت از شهروندان، اقدام به همکاری با دستگاه‌ها و نهادهای مربوطه نموده و نسبت به توزیع گوشت تنظیم بازار در میادین و بازارهای میوه‌وترهبار اقدام می‌نماید.

ناگفته نپیداست که همه ما همچون این شهروند محترم، آرزومندیم که کشور عزیز ما در همه ابعاد از واردات اقلام مختلف به‌ویژه محصولاتی مانند گوشت، مستقل گردد و این مهم، نیازمند تلاش و همت دست‌اندرکاران و همراهی و همیاری همه ماست که امیدواریم شاهد تحقق آن باشیم.



بیمه البرز

دارایی بیشترین سرمایه

در دین

شرکت های بیمه خصوصی



بیمه البرز

بیمه البرز؛ در مسیر شصت سالگی؛

www.alborzinsurance.ir

alborzinsuranceco

مرکز ارتباطات مردمی: ۰۲۹۴۶۰